

چالش و موانع مشروعیت و انتخابات مجلس شورای ملی در کرمانشاهان (۱۳۴۲ - ۱۳۲۴ قمری / ۱۳۰۲ - ۱۲۸۵ خورشیدی)

شهرام اردشیریان، دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه خوارزمی
حسین مفتخری، استاد گروه تاریخ دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول)*
حسین محمدی، استادیار گروه تاریخ دانشگاه خوارزمی
علی ططری، دکترای تخصصی تاریخ

چکیده

هدف: مشروعیت اندیشه‌ای متجدد بود که بر تفکر سیاسی ایرانیان آن عصر تأثیر گذاشت و کانون‌های سیاسی کرمانشاهان نیز از آن تأثیر پذیرفت و به مطالبه‌ای عمومی تبدیل گردید که فعالان سیاسی این حوزه در راه آن با دشواری‌های فراوانی روبه‌رو شدند. در پسا مشروطه از سال ۱۲۸۵ تا ۱۳۰۲ خورشیدی موانعی موجب ناکارآمدی مشروعیت و انتخابات مجلس شد و اساس آن را به چالش کشید. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با بررسی منابع و اسناد در پی پاسخ به این پرسش است که چرا مشروطه و انتخابات در کرمانشاهان با چالش‌ها مواجه گردید؟ یافته‌ها و نتیجه‌گیری: یافته‌ها و نتایج پژوهش حاکی از این است که ناآگاهی سیاسی، ارکان قدرت و حاکمان، رؤسای عشایر، نظامیان، علما و بزرگان متنفذ در عرصه سیاست و اجتماع که هر یک قصد داشتند مزایای سه گانه قدرت، ثروت و احترام را به انحصار خود درآورند و نیز شورش سالار الدوله و همراهی داود خان کلهر و سایر خوانین و مالکان با او و جنگ جهانی اول از مهم‌ترین عوامل موانع مشروعیت و انتخابات مجلس در ایالت کرمانشاهان بود.

واژگان کلیدی: انتخابات مجلس، چالش‌ها و موانع، کرمانشاهان، متنفذان، مشروعیت.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۶

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۶/۲۰

*E-mail: shahramardeshiri@gmail.com

مقدمه

بخش عمده ریشه‌های نظریه دولت مشروطه و دموکراسی را باید در تاریخ سیاسی اروپا جستجو کرد چراکه بن مایه نظریه دموکراسی به عصر قدرت فئودالیسم در اروپا می‌رسد و این دورانی است که قدرت نه مطلق و نه مشروط بود. مهم‌ترین مشخصه این دوره این بود که قدرت سیاسی توسط سایر منابع قدرت محدود شده بود و این اندیشه بعد از انقلاب فرانسه مورد پذیرش بسیاری از دولت - ملت‌های اروپایی قرار گرفت. به مرور زمان این مدل سیاسی در کشورهای اروپایی گسترده شد و سایر نقاط جهان و از جمله ایران را تحت تأثیر قرارداد. رواج اندیشه مشروطیت زنگ خطر برای حکومت استبدادی قاجار به صدا درآورد و بنیان آن سلسله را سست نمود. حکومت قاجار اگرچه از اقمار حکومت‌های مستبد به شمار آمده است ولی آنان امکانات مؤثر، ارتش توانمند و دستگاه بوروکراسی منظمی برای اعمال حاکمیت در اختیار نداشتند. شاهان قاجار مجبور بودند که حاکمان ایالات را از خاندان‌های متنفذ محلی انتخاب کنند. مردم ایران تحت تأثیر مراوده با اروپاییان؛ با شیوه دموکراسی، مدینت، قانون اساسی، مجلس نمایندگان و آزادی آشنا شدند. با تلاش مستمر به مشروطه دست یافتند و پیرو دست‌یابی به مشروطه به استناد اصل بیست و ششم قانون اساسی، ملت مبنای قدرت قرار گرفت و تساوی حقوق در اصل هشتم نهاد یافت. به این ترتیب ایران در شمار کشورهای قرار گرفت که می‌خواستند با انتخابات منصفانه و رقابتی، مناصب دولتی را توزیع و مشارکت و رقابت سیاسی را تضمین نماید. در کرمانشاهان هواداران مشروطه که بیشترشان از نخبگان و نیروهای اجتماعی سنتی بودند با رهبری علما به مبارزه با حاکمیت پرداختند. نخستین تحصن مردم در میدان توپخانه و کنسولگری انگلیس صورت گرفت و تا صدور فرمان مشروطه مبارزات آنان علیه مستبدان ادامه یافت. در این منطقه مخالفان مشروطیت چهره‌های مشهور جامعه بودند و برخی از توده مردم در مخالفت با مشروطه آنان را همراهی کردند. رهبری آنان بر عهده ابوالقاسم رئیس‌العلماء، نوه مجتهد معروف وحید بهبهانی بود. مردم این منطقه امیدوار بودند که با پیروزی مشروطه و با انتخاب نمایندگان خود از نظر اقتصادی، امنیت و رفاه، آینده‌ای بهتر داشته باشند و بتوانند سرنوشت سیاسی - اجتماعی خود را تعیین کنند. افکار عمومی بر این باور بود که حاکمان مستبد چندین دهه بر آنان حکومت کرده‌اند و عامل نابسامان جامعه هستند و باید از قدرت برکنار گردند. اما مخالفان مشروطه تسلیم نشدند و با استفاده از منابع قدرت و الزامات آن علیه مشروطه و حامیان آن واکنش نشان دادند و در مواقعی رقابت آنان به تنش و درگیری کشیده شد. به نظر می‌رسد که انقلاب مشروطه در کرمانشاهان تحت تأثیر افکار فرا

دستان قرار گرفت و اگر اسامی موافقان و حامیان مشروطه مورد مذاقه گیرد این نکته به وضوح پیداست. پیروزی مشروطه در کرمانشاهان به سادگی صورت نگرفت و در پسا مشروطه، مشروطیت و انتخابات با چالش‌ها و موانع فراوانی روبه‌رو شد. مخالفان اعم از حاکمان، بعضی از علما، رؤسای عشایر، خوانین، مالکان و افراد متنفذ که دارای قدرت سیاسی - اقتصادی بودند، به سادگی حاضر به از دست دادن مقام و موقعیت خود نبودند. آنان از آینده پر ابهام خود در هراس بودند و ناچار بودند که در برابر مشروطیت سیاست تهدید و تطمیع را به کار ببرند. آنان به هر شکل ممکن درصدد حفظ موقعیت و سروری خود بودند و با عضویت یا هواخواهی از احزاب سیاسی در انتخابات کاندیدا شدند و در تلاش برای راهیابی به مجلس بودند. در راستای منافع خود گاهی در شورش سالار الدوله مشارکت کردند و یا با عباس میرزا سالار لشکر در مجلس چهارم و با سپهبد امیراحمدی در مجلس پنجم برای مهندسی انتخابات همراه شدند. افزون بر آن، مخالفت سرسختانه بسیاری از آنان با مشروطیت، ناآگاهی سیاسی و فراهم نبودن ساختار اجتماعی - سیاسی انتخابات موجب شد که مشروطیت و انتخابات با چالش‌ها و موانعی روبه‌رو شود. برای تبیین این مسئله این سؤال مطرح می‌شود که: «که چرا مشروطه و انتخابات در کرمانشاهان با چالش‌ها مواجه گردید؟» پژوهش پیش رو صرف‌نظر از نگرش کلی به مشروطیت در ایران؛ موانع و عوامل چالش‌زای مشروطه و انتخابات مجلس در منطقه کرمانشاهان را موضوع پژوهش قرار داده است. سعی شده است با استناد به منابع، اسناد ملی و محلی موانع مشروطه و انتخابات مجلس را مورد بررسی و تدوین قرار دهد. پژوهشی با این عنوان در پیشینه آن یافت نگردیده است. روش تحقیق پژوهش، توصیفی - تحلیلی و روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و اسنادی است.

مبارزات مشروطه‌خواهی

کرمانشاهان در این زمان مجموعه‌ای از ایلات کرد مانند گوران، زنگنه، سنجابی، ایلات وند، کلهر و کلیایی بود که در حدود پنجاه‌هزار نفر جمعیت داشت. بخش زیادی از شهرنشینان نیز وابسته به ایلات بودند. شهر کرمانشاهان و سایر مناطق آن از نظر جغرافیایی، تجاری و اداری از موقعیت ویژه‌ای برخوردار بود و این عوامل در مشروطه‌خواهی مردم این منطقه تأثیر داشت. (سلطانی، ۱۳۷۳، ج ۱، ۴۳) در خطه کرمانشاهان تعدادی از نخبگان و آگاهان سیاسی که در اقلیت بودند برای این که از قافله مشروطه عقب نمانند در انجمن‌های «عدالت، اصناف، تجار، مالکین و شاهدگان» فعالیت کردند و خواهان مشروطیت شدند. (سنجابی، ۱۳۹۳، ۶۵) اما شاهزاده سیف‌الدوله حاکم مستبد کرمانشاهان، آزادی‌خواهی مردم را

سرکوب کرد و ابوعلی امام‌جمعه و رهبر مشروطه‌خواهان مسموم شد. (کرمانی، ۱۳۷۷، ج ۴، ۷۱) در اعتراض به آن تعداد زیادی از مردم به رهبری آیت‌الله فیض‌مهدوی دیگر رهبر مشروطه‌خواهان، در کنسولگری انگلیس تحصن کردند و به دلیل ترس از تنش و خون‌ریزی تا صدور فرمان مشروطه در کنسولگری ماندند. (ملک‌زاده، ۱۳۷۱، ج ۲، ۴۵۴) علمای معروف در این تحصن عبارت بودند از: آیت‌الله فیض‌مهدوی، ملاحسین اصفهانی معروف به حاج آخوند و پسرش شیخ محمدعلی روشن و شیخ عبدالحسین قوام‌العلما و سیدحسن کزازی. محمدباقرمیرزا خسروی و ملک ایرج‌میرزا از شاهزادگان ساکن کرمانشاهان در این تحصن بودند. ابوالحسن‌خان زنگنه به همراه دیگر خوانین زنگنه، میرزااحمدخان معتضالدوله، مشیرالرعایا، سلیمان‌خان امیرمقتدر از چهره‌های خوانین در این تحصن بودند. از تجار و کسبه ملک محمد کرمانشاهی تاجر معروف، سیدآقامیر عبدالباقی و میرزا علی‌خان سرتیپ و برخی دیگر حضور داشتند. (سلطانی، ۱۳۸۵، ۱۶۸) مشروطه در کرمانشاهان را باید مشروطهٔ نخبگان دانست، زیرا با نگاهی به اسامی ذکر شده، مؤید این ادعا است. آنان با انگیزه‌های سیاسی - اقتصادی خود داعیه‌دار مشروطیت بودند و تعدادی از تودهٔ مردم نیز به تبعیت از آنان هواخواه مشروطه شدند. بدون آنان قشر تودهٔ مردم توانایی رهبری و پیشبرد مبارزات را نداشتند. در کرمانشاهان باوجود موافقین و مخالفین مشروطه که منجر به تنش‌ها و درگیری‌های خونین شد، به‌ناچار مستبدین در برابر اندیشهٔ مشروطه و نظم نوین سیاسی مجبور به تسلیم شدند. مهم‌ترین انگارهٔ مشروطیت برگزاری انتخابات و تشکیل مجلس نمایندگان بود که با اصرار مشروطه‌خواهان صورت گرفت. (کمام، ۱۸، ۵/۹۱/۶/۱/۱) در بازه زمانی پژوهش، پنج دوره انتخابات مجلس برگزار و در این پنج دوره حدود چهارده نفر از قشر فرا دستان به مجلس راه یافتند. آنان از اشراف‌زادگان، رؤسای عشایر و تعداد کمتری از علمای متنفذ بودند.

انتخابات دورهٔ اول مطابق نظام‌نامهٔ انتخاباتی برگزار شد. محمدصالح خان کلهر به نمایندگی از مالکان و با پشتوانهٔ عشایر، شاهزاده ابوالقاسم‌میرزا، کارمند گمرک به نمایندگی از شاهزادگان و ملک محمد تاجر به نمایندگی از طبقهٔ تجار به مجلس راه یافتند. (استادوخ، ۱۱-۱-۱۳۲۸، ۱۶) ملک محمد کرمانشاهی از تاجران مشروطه‌خواهی بود که تجارت‌خانه‌اش توسط روس‌ها در جنگ جهانی اول غارت گردید. (استادوخ، ۵-۶۷-۱۳۳۵، ۴۲) باوجود پیروزی مشروطه و برگزاری نخستین دورهٔ انتخابات مجلس، هواداران استبداد که منافع خود را درخطر دیدند با رهبری ابوالقاسم رئیس‌العلما به مبارزه با مشروطه پرداختند. به دنبال این تصمیم درگیری‌های پراکندهٔ فیزیکی و مسلحانه بین دو گروه شکل گرفت که منجر به کشته شدن نخستین شهید راه مشروطه گردید. ستیز خونینی بین مشروطه‌خواهان و

مخالفتان شکل گرفت و با اعتراض مردم امین‌السلطان صدر اعظم، سیف‌الدوله برادر عین‌الدوله و حاکم مستبد کرمانشاهان را برکنار نمود و علی‌خان ظهیرالدوله حاکم همدان که فرد آزادی‌خواهی بود در جمادی‌الاول ۱۳۲۵/تیرماه ۱۲۸۶ سرپرست حکومت کرمانشاهان شد. چون او در همدان مستقر بود، محمدرضاخان زنگنه ملقب به ظهیرالملک به نیابت از او اداره حکومت را بر عهده گرفت. (ظهیرالدوله، ۱۳۸۵، ۲۴۹-۲۵۳) با حمایت رئیس‌العلماء و پشتیبانی یاران حسین‌خان معین‌الرعا و حسن‌خان معاون‌الملک از حامیان استبداد و با اطمینان از حمایت نیروهای دولتی، مخالفان مشروطه بازار شهر کرمانشاهان را غارت نمودند. غارت مغازه‌های بازار با دستور رئیس‌العلماء صورت گرفت. او گفت: «رحم و شفقت در حق این مردم مشروطه‌خواه نجس محاربه با امام زمان است». این رویداد تاریخی باعث شد که غارت‌شدگان شکایت و دادخواهی خود را تقدیم مجلس نمایند، ترور امین‌السلطان، صدراعظم باعث گردید که اوضاع سیاسی تحت‌الشعاع این واقعه قرار گیرد و توجهی به خواسته‌های شاکیان نشود. (استادوخ، ۹-۱۱-۱۳۲۵، ۱۹۶؛ میرزا صالح، ۱۳۸۴، ۳۳۳-۳۳۷) مجلس و وزارت عدلیه دو نفر مأمور برای بررسی غارت‌شدگان به کرمانشاهان فرستاد و مردم از آنان استقبال شایانی کردند ولی با گذر زمان کاری از پیش نبردند. (استادوخ، ۹-۱۱-۱۳۲۵، ۱۹) قتل صدراعظم در بهارستان موجب التهاب سیاسی در میان سیاست‌مداران و نمایندگان گردید و این اتفاق موجب شد که دادخواهی شاکیان در گیرودار جدال‌های سیاسی مورد رسیدگی قرار نگیرد. این مسامحه و بی‌توجهی موجب سرخوردگی شاکیان از مجلس و دولت مشروطه گردید و نخستین چالش جدی برای مشروطیت در کرمانشاهان به وجود آورد. اما با وجود موانع و چالش‌های فراوان مردم کرمانشاهان به اهداف خود رسیدند و مهم‌تر از همه توانستند نمایندگان خود را برای مجلس اول انتخاب نمایند.

فتنه ابوالفتح میرزا سالار الدوله

سالار الدوله (۱۳۷۸ - ۱۲۹۸ ق / ۱۳۳۸ - ۱۲۶۰ خ) به همراه برادرانش محمدعلی میرزا و شعاع‌السلطنه برای به قدرت رساندن مجدد محمدعلی شاه با یکدیگر طرح عملیات نظامی در ایران را ریختند. او از طریق مرز عثمانی وارد خاک ایران شد و در غرب کشور نیروهای عشایری را گردآورد و در اردیبهشت ۱۲۹۰ شورش خود را آغاز نمود. (والیزده، م، والیزده، ج، ۱۳۸۰، ۳۷۷) سالار الدوله مدتی که در صحنه سیاسی ایران فعال بود و با بی‌مبالاتی و سبک‌مغزی سودای پادشاهی در مخیله خود داشت، بی‌میل نبود که قدرت را به دست بگیرد. اوج تکاپوی او برای کسب قدرت شورش در

کرمانشاهان علیه نظام مشروطه بود. (کسروی، ۱۳۷۰، ۳۴۶) شاهزاده بعد از کسب تاج و تخت توسط پدرش در ۱۳۱۵ قمری / ۱۲۷۶ خورشیدی به حکومت کرمانشاهان رسید و به دلیل ناتوانی از قدرت برکنار گردید. (عاقلی، ۱۳۷۲، ج ۲، ۱۸) پس از آن در محرم ۱۳۲۳ / فروردین ۱۲۸۴ به حکومت گروس، کردستان، همدان، ملایر و تویسرکان منصوب شد. (مردوخ کردستانی، ۱۳۸۱، ج ۲، ۲۳۲-۲۳۳) او با اندیشه‌های ملک‌المتکلمین نیز آشنا بود و چون سودای ولیعهدی داشت مخفیانه و سوداگرانه با مشروطه‌خواهان ارتباط پیدا کرد و با اعتراض به دربار برکنار گردید. او به هنگام تحصن مشروطه‌خواهان در حرم حضرت عبدالعظیم، از کمک مالی به آنان دریغ ننمود و به‌ظاهر با آنان همراه شد. در زمان صدارت عین‌الدوله (۱۳۰۶ - ۱۲۲۴ خ) به حکومت بروجرد و لرستان منصوب شد (کاشانی، ۱۳۶۲، ۱۴-۱۵) و با دختر نظرعلی‌خان والی پیش‌کوه ازدواج کرد و موقعیت خود را در غرب کشور تحکیم کرد. (همدانی، ۱۳۵۴، ۳۷۶) سالار الدوله در زمان حکومتش بر مناطق غرب کشور با خوانین، بزرگان ایلات و عشایر رابطه برقرار کرد. او نسبت به روحیات و ویژگی اخلاقی سران آن مناطق شناخت کافی پیدا کرد و توانست جایگاه خود را در میان ایلات غرب کشور تثبیت نماید. رؤسای عشایر این مناطق اگرچه باهم تضاد منافع داشتند ولی برای حفظ منافع خود، یکدیگر را در بحران‌های پیش‌آمده یاری کردند و به این دلیل او کرمانشاهان را آگاهانه برای محل شورش خود انتخاب کرد. شاهزاده یاعی، با حمایت داود خان حاکم کلهر، نظرعلی‌خان پیش‌کوهی، سردار اشرف، پسر والی پشت‌کوه، همراه با تعدادی از وابستگان قاجار و دیگر عناصر مخالف مشروطه در غرب ایران، توانست نیروهایی را فراهم نماید. (جمالی، ۱۳۵۲، ۲۲) به تبعیت از آن احتشام‌الممالک حاکم کرد نیز از او پشتیبانی کرد. (استادوخ، ۳-۴۴-۱۳۳۶، ۳۹) هدف حاکم کرد از این اقدام حفظ موقعیت و منافع خود بود. مردم این منطقه به‌صرف مخالفت با مشروطه در این شورش مشارکت نکردند، بلکه ایلات و عشایر تابع محض رؤسای خود بودند و تحلیل و درک درستی از مشروطیت نداشتند و مشروطه را مترادف غارت می‌دانستند.

در شهر کرمانشاه موافقین استبداد که نیت خود را پنهان کرده بودند، شرایط را برای آشکار نمودن مخالفت خود مهیا دیده و از شورش شاهزاده پشتیبانی کردند تا در صورت پوشیدن ردای سلطنت، آنان قدرت گذشته خود را باز یابند. چهره‌های معروف که به‌صورت عملی در راه بازگشت استبداد تلاش کردند و در این فتنه به شاهزاده کمک نمودند، عبارت‌اند از: برادران معینی، خاندان حاجی‌زادگان به رهبری فرخ خان ایلخانی حاکمان ایل کلهر قبل از داود خان، نصیر دیوان فزونی پسر محمد صالح خان و نماینده چند دور بعدی و برادرانش، خیرین معروف کرمانشاهان آقابرار معتضدالممالک و شریف‌خان

امین‌الممالک، مجتهد معروف آقارحیم، سپس حسین‌خان سردار منصور از ایل گوران، طوایف باباجانی و قبادی، طوایف احمدوند و نانکلی، ایلات سنقروکلیایی و ایل سنجایی به سالار الدوله پیوستند. (سنجایی، ۱۳۹۳، ۱۹۱-۱۹۳) سالار الدوله با حمایت رؤسای عشایر و مخالفان مشروطه کرمانشاهان را تسخیر کرد و فرخ‌خان، ایلخانی سابق کلهر از سوی سالار الدوله به عنوان حاکم منصوب گردید. نکته قابل تأمل، حضور فرزندان محمدصالح‌خان کلهر، نماینده دوره اول مجلس در کنار مخالفان مشروطه است. (استادوخ، ۲-۴۵-۱۳۳۴، ۶۵؛ کرمانی، ۱۳۵۷، ج ۱، ۱۱۲) شرکت آنان به احتمال فراوان برای حفظ موقعیت و ترس از حکومت آتی سالارالدوله بوده است. دیگر این‌که چون اکثر بزرگان حاجی‌زادگان حامی او بودند، لذا فرزندان محمدصالح‌خان تحت تأثیر و تبلیغ آنان قرار گرفتند. سالار الدوله با فشار بر لامبرت مولیتور رئیس گمرک کرمانشاهان، درآمد آن‌را برای صرف هزینه‌های نظامی به دست آورد و مشکلات مادی خود را برطرف نمود. (دستره، ۱۳۶۳، ۱۹۱) سالار الدوله در رمضان ۱۳۲۹/مهرماه ۱۲۹۰ به ساوه رسید و نیروهایش در موقعیت سوق‌الجیشی مناسبی موضع گرفته و آن اطراف را غارت کردند. در مقابل نیروهای شورشی، دولت دو هزار سوار بختیاری و مجاهد به فرماندهی بیرم‌خان و سردار محتشم در شوال ۱۳۲۹/شهریور ۱۲۹۰ برای مقابله برای آنان اعزام کرد. در سوم شوال سالار الدوله و سپاهیان‌ش با تلفات زیادی شکست خورد و به کرمانشاهان عقب نشینی کرد. (ملک‌زاده، ۱۳۷۱، ج ۵، ۱۴۳۶) بعد از این شکست، سالار الدوله با وعده و تهدید از اهالی کرمانشاهان اخاذی کرد و قوای نظامی خود را دوباره سازماندهی نمود. نخست‌وزیر، نجف‌قلی‌خان صمصام‌السلطنه، حسین‌خان اعظم‌الدوله زنگنه فرزند ظهیرالملک زنگنه که از پشتیبانی سیدعبدالله بهبهانی برخوردار بود، برای سرکوب سالار الدوله به حکمرانی کرمانشاهان منصوب کرد. او تلاش نمود که با فرخ‌خان ایلخانی به گفت‌وگو پردازد تا بدون جنگ و خون‌ریزی شورش را با سیاست مصالحه جویانه‌ای به اتمام برساند. (روزنامه خسروی، ش ۵۹۶، ۱۳۴۷، ۱-۶) اما سالار الدوله با مساعدت داود خان کلهر بر کرمانشاهان دست یافت و مشروطه‌خواهان به ناچار در کنسولگری انگلیس به بست نشستند و خانه‌های آنان به تاراج رفت. (کمام، ۴/۱/۲۸/۵۸۴، ۴۰-۴۴) در این رویداد یارمحمدخان مشروطه‌خواه و فرمانده بعدی نیروهای فرمانفرما، در جنگ با سالار الدوله فرار کرد. میرزا حسین‌خان اعظم‌الدوله و فرزندش و تعدادی از مجاهدین دستگیر و در میدان توپخانه کرمانشاهان در اسفند ۱۲۹۰ با دستور سالار الدوله به دار آویخته شدند. (بحران دموکراسی در مجلس اول، ۱۳۸۷، ۸۲-۸۳) این شورش، مشروطیت نیم‌بند را در کرمانشاهان را با چالش جدی مواجه نمود. نزدیک بود که اندیشه مشروطه را در ایران به پایان برساند و تلاش و زحمات مشروطه‌خواهان با شکست مواجه شود.

داود خان رئیس‌العشایر کلهر

ایل کلهر در غرب استان کرمانشاهان قرار دارد و در شهرستان‌های اسلام آبادغرب، گیلان غرب و «بخش‌هایی از: نفت شهر، سومار، گهواره، ایوان، ماهیدشت، دهستان قلعه شاهین سرپل ذهاب و نصرآباد قصرشیرین» و همچنین در شهر کرمانشاهان از این ایل تعداد زیادی زندگی می‌کردند. (گودرزی، ۱۳۸۱، ۲۵) در دوره استبداد صغیر محمدعلی شاه برای سرکوب انقلابیون از علی‌خان ظهیرالدوله حاکم وقت کرمانشاهان درخواست نیروی کمکی نمود. با دستور او تعدادی از سواران ایل کلهر به فرماندهی ضرغام‌الدوله فرزند داود خان (استادوخ، ۱۵-۱۶-۱۳۲۳، ۱۲۰) و نیروها ایل سنجابی به فرماندهی سردارمقتدر سنجابی به خدمت شاه درآمدند. برای حمل پرچم در سان نظامی میان دو فرمانده اختلافاتی روی داد و ضرغام‌الدوله قهر کرد و به کرمانشاهان برگشت و نیروهای سنجابی برای سرکوبی انقلابیون تبریز به آذربایجان اعزام شدند. مدتی بعد علی‌خان ظهیرالدوله برکنار و شاهزاده ظفرالسلطنه جانشین او در کرمانشاهان گردید. (سنجابی، ۱۳۹۳، ۱۷۱-۱۷۲) داود خان فرمانده نیروهای سالار الدوله بود و هر آن ممکن بود که اساس مشروطه را در ایران از بنیان برکنند و ریشه مشروطه را بخشکانند. اما در مورد داود خان سئوالاتی مطرح می‌شود که آیا او مخالف حکومت پارلمانی بود؟ و دیگر این که چرا در قیام بر علیه مشروطیت مشارکت کرد؟ باید متذکر شد اگرچه داود خان تحصیل کرده و فعال سیاسی نبود، اما با اطلاع از مشروطیت آن‌را با مبانی قدرت خود در تضاد دید که مبادا موقعیت خود را از دست بدهد. از سویی دیگر با بی‌اعتنایی مجلس در تصویب اختصاص یک نماینده به ایل کلهر مواجه شد و این بی‌توجهی موجب دشمنی وی با مشروطیت گردید. بر اساس نظام‌نامه جدید انتخابات به پنج ایل «شاهسون آذربایجان، بختیاری، قشقایی، ایلات خمسه فارس و ترکمان» یک نماینده تعلق گرفت. بر اساس ماده ۳ از فصل اول، ایلاتی که در نظام‌نامه اسمی از آن‌ها آورده نشده بود، می‌توانستند در شهرهای مجاور خود در انتخابات شرکت نمایند. (رضازاده ملک، ۲۶۶، ۱۳۷۷-۲۶۸) در نظام‌نامه اسمی از ایل کلهر برده نشده بود و معلوم نیست که بر چه اساسی به سایر ایلات نماینده اختصاص ندادند. این بی‌اعتنایی باعث تکدر خاطر داود خان گردید و در اعتراض به آن با شورش سالار الدوله همراهی نمود. داود خان در ۱۳ آبان ۱۲۸۹ در نامه‌ای به مجلس اعلام کرد که حاضر است در راه حکومت مشروطه جان خود را فدا نماید. او از مجلس انتظار داشت که ایلات مرزنشین و ایل کلهر که جمعیت زیادی دارند نماینده مختص به خود داشته باشند. از سویی در جواب نامه آخوند خراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی وفاداری به مشروطه را اعلام کرد. (آذری

شهرضایی، ۱۳۸۵، ۳۲) بنابراین روشن است که داود خان از حکومت پارلمانی شناخت داشته است. اگرچه سردارمقتدر سنجابی ذکر کرده است که سالار الدوله به داود خان صدراعظمی را وعده داده بود و به همین دلیل در شورش شاهزاده شرکت نمود و جان خود را از دست داد. (سنجابی، ۱۳۹۳، ۱۹۸-۱۹۹) این نظر جای تأمل دارد، زیرا داود خان تجربه سیاسی و حکومت‌داری کلان و شرایط چنین جایگاهی را نداشت. از سویی هر دو ایل کلهر و سنجابی در برهه‌هایی از تاریخ، با هم به درگیری پرداخته و دشمنی‌های میان این دو ایل در چنین اظهار نظری بی تأثیر نبوده است. قدرت نظامی و اقتصادی داود خان موجب چالش جدی مشروعیت گردید.

فرمانفرما و فتنه سالار الدوله

دولت نجف‌قلی‌خان بختیاری (۲۵ تیر ۱۲۹۱ - ۱۳ اردیبهشت ۱۲۸۸) برای مقابله با اوضاع متشنج غرب کشور، عبدالحسین فرمانفرما را با اختیار کامل به عنوان والی کرمانشاهان منصوب نمود. (کسروی، ۱۳۵۳، ۵۱۰) دولت برای تقویت فرمانفرما، مجاهدان ارمنی و ایرانی را به فرماندهی پیرم‌خان ارمنی، روانه غرب کشور نمود. او ده فرمانده توانمند چون گریش (کریچ)، یارمحمدخان، مسیب خان و غیره را تحت فرمان خود داشت که هر کدام از آنان نیز نیروهایی تحت اختیارشان بود، که همگی تحت فرمان فرمانفرما قرار داشتند. (مجموعه اسناد عبدالحسین فرمانفرما، ۱۳۶۶، ج ۱، ۱۵۱) سالار الدوله در جنگ شورجه به دلیل کشته شدن تعدادی از نیروهایش و به قتل رسیدن عبدالباقی‌خان، فرزند داود خان و فوت ایلخان کلهر در هفتم خرداد ۱۲۹۱ شکست خورد و کرمانشاهان را تسخیر کرد. در این جنگ یفرم‌خان کشته شد و جانشینش کریچ خان، یارمحمدخان را عامل قتل دانست و درصدد انتقام از او برآمد. پس از این اتهام، یارمحمدخان به فرمانفرما پناه برد و انتظار داشت که او از وی حمایت نماید. فرمانفرما ترقی افراد طبقات پایین جامعه را باور نداشت و به خواسته او اعتنایی نمود، در نتیجه یارمحمدخان با سالار الدوله متحد گردید. به دنبال این اتحاد، یارمحمدخان کرمانشاهان را مورد حمله قرار داد تا قدرت و توانایی خود را به فرمانفرما نشان دهد و جواب بی اعتنایی وی را تلافی نماید. یارمحمدخان و نیروهایش با کمک مخالفان مشروطه وارد شهر گردید و نیروهای فرمانفرما به محاصره درآمدند. فرمانفرما قافیه جنگ را باخته بود و قصد داشت که به کنسولگری عثمانی پناهنده شود، ولی با اصرار سرداران سنجابی با نیروهایی که در اختیار داشت به مقاومت پرداخت. در نتیجه یارمحمدخان در ۱۳ مهر ۱۲۹۱ کشته شد و شورش سالار الدوله به پایان رسید. (کسروی، ۱۳۵۳، ۵۳۲-۵۳۶) شورش

سالار الدوله توانست با پشتیبانی سران ایلات، طوایف و قشر شهری مخالف حکومت مشروطه، کشور را به ناامنی و هرج و مرج سوق دهد و هر آن امکان داشت که با دخالت روس‌ها ایران را تجزیه کند. شورش آن‌چنان در مراحل اولیه توسعه پیدا کرد که حکومت را به لبه پرتگاه سقوط کشاند. اشتباه فرمانفرما، عدم حمایت از یارمحمدخان بود و این بی‌اعتنایی موجب شد که با تصرف کرمانشاهان مشکلات عدیده‌ای برای دولت مشروطه شکل بگیرد.

انتخابات دوره سوم مجلس

دور دوم انتخابات مجلس به صورت عادی برگزار شد. اسناد و شواهد ملی و محلی به چالش‌های خاصی در این مورد اشاره نکرده‌اند. در این دوره سیدحسین کزازی از علما، اسماعیل معاضدالملک رهبر اعتدالیون و شاهزاده ابوالقاسم‌میرزا به عنوان نماینده انتخاب شدند. مجلس سوم در دی ماه ۱۲۹۰ با اولتیماتوم دولت روس منحل گردید. (اسناد انتخابات مجلس شورای ملی کرمانشاهان در بیست و چهار دوره مجلس شورای ملی، ۱۳۹۰، ۲۸) در انتخابات دوره سوم، داوطلبان نمایندگی در قالب احزاب اعتدال و دموکرات به رقابت پرداختند و انتخابات این دوره برای نخستین بار از قومی قبیلگی به رقابت حزبی گرایش پیدا کرد. بعد از ناکامی سالار الدوله اوضاع سیاسی به سود مشروطه‌خواهان شد و طرفداران استبداد برای خروج از بن بست سیاسی و کسب جایگاه نمایندگی با پرچم حزب اعتدال در انتخابات شرکت کردند. سردمداران این حزب حسن‌خان معاون‌الملک، وکیل‌الملک، فتح‌الله‌خان فزونی و برادرانش، فرزندان محمدصالح‌خان کلهر از مخالفان مشروطه بودند و رهبر فکری سیاسی آنان اسماعیل‌خان معاضدالملک بود. فرمانفرما از اعتدالیون دفاع کرد و حمایت وی از اعتدالیون موجب جنجال سیاسی در بین افکار عمومی گردید. نامزدهای اعتدالیون: اسماعیل معاضدالملک، علی‌اعظم زنگنه ملقب به امیرکل، میرزااحمدخان معتضالدوله و از علما آقا ولی بودند. نامزدهای حزب دموکرات سیدحسین کزازی، شاهزاده محمدمیرزا ملقب به مرآت‌السلطان، حاج میرزااحسین کرمانشاهی و حاج میرزاامان‌الله خان ملقب به عزالمالک بودند. (کشاورز، ۱۳۸۲، ۱۸) در انتخابات دوره سوم بیشترین مشارکت بعد از تهران از آن کرمانشاهان بود. (کمام، ۳/۴/۱/۳۰، ۵۵) دموکرات‌ها با وجود این که تحت فشار سیاسی فرمانفرما بودند، با پشتیبانی سران کلهر، سنجابی و دیگر ایلات و شهرنشینان حامی مشروطه با قاطعیت برنده شدند. (کمام، ۳/۴/۱/۳۰/۱، ۴۴۶) فرمانفرما حامی اعتدالیون بود و می‌دانست که ایلات و عشایر غرب کرمانشاهان طرفدار دموکرات‌ها هستند. شاید به همین دلیل بود که هیأت

نظارت بر انتخابات به دلیل ملاحظات سیاسی و احتمال بروز درگیری در این حوزه‌ها رأی‌گیری به عمل نیاورد. انتخابات را در شهر و حوزه‌های شرق کرمانشاهان برگزار نمود که بیشتر با تهدید، تطمیع و تخلف همراه بود. (کمام، ۱/۳۰/۳/۴، ۹۲؛ اسناد انتخابات مجلس شورای ملی کرمانشاهان در بیست و چهار دوره مجلس شورای ملی، ۱۳۹۰، ۵۷-۵۸) فرمانفرما طرفدار اعتدالیون بود و در این راستا اقدامات غیر قانونی انجام داد. تخلفات انتخاباتی آن‌چنان گسترده بود که افزون بر دموکرات‌ها، اعتدالیون نیز روند انتخابات را مورد انتقاد قرار دادند و نسبت به مداخلات غیر قانونی اعتراض کردند. (استادوخ، ۱-۲۴-۱۳۳۶؛ کمام، ۱/۳۰/۳/۴، ۴۰۱-۴۰۶) علیرغم خواست فرمانفرما دموکرات‌ها پیروز شدند. او هرچند برای ابطال انتخابات تلاش کرد ولی چون در جریان انتخابات، برگزاری قانونی آن را تأیید نموده بود مجبور به تأیید انتخابات شد. (سنجایی، ۱۳۹۳، ۲۲۸-۲۲۹) می‌توان گفت انتخابات دوره سوم کرمانشاهان نخستین انتخابات حزبی و رقابتی برای کسب آرای مردم بود، هرچند فرمانفرما به دنبال پیروزی اعتدالیون و مستبدین سابق بود. این رویکرد مستبدانه، موجب تنش بین مردم و دستگاه حاکمیت گردید و زمینه بی‌اعتمادی مردم را نسبت به دولت مشروطه فراهم نمود و مشروعیت آزادی انتخابات به چالش کشیده شد.

کرمانشاهان و جنگ جهانی اول

احمدشاه در ۲۹ تیرماه ۱۲۹۳ تاج‌گذاری کرد و جنگ جهانی اول در ۶ مرداد ۱۲۹۳ شروع گردید. در این زمان مستوفی‌الممالک نخست‌وزیر بود و او به کشورهای درگیر در جنگ از سوی دولت ایران اعلام بی‌طرفی نمود. دولت از ایلات و عشایر کرمانشاهان خواست که در مقابل متحدین و متفقین به تبعیت از دولت اصل بی‌طرفی را رعایت کنند. (استادوخ، ۱-۴۴-۱۳۳۶، ۲۴) سیاست نظامی آلمان و متحدانش بر این قرار گرفت که جبهه جدیدی در شرق را به وجود آورند تا افکار متفقین از جبهه‌های اصلی منحرف و از فشار بر آن‌ها کاسته شود. با تجاوز نیروهای روسی، آزادی‌خواهان مصمم شدند که در برابر هجوم آنان مقاومت نمایند. مستوفی‌الممالک از دموکرات‌ها خواست که به قم مهاجرت کنند و پس از این درخواست، نیروهای ژاندارمری، سفرای متحدین و تعدادی از نمایندگان مجلس و مردم دست به مهاجرت زدند. قرار شد که پایتخت به اصفهان منتقل شود، اما احمدشاه از انتقال پایتخت به اصفهان منصرف گردید. آزادی‌خواهان با حمایت دولت آلمان و شونمان مأمور آن کشور از قم به کاشان و اصفهان رفتند. سپس به کرمانشاهان مهاجرت و دولت ملی به ریاست نظام‌السلطنه تشکیل دادند و

این دولت امیدوار به کمک دولت عثمانی و حمایت مالی آلمان بود. (گرکه، ۱۳۷۷، ج ۱، ۱۳۱-۴۰۹) بیشتر اهالی کرمانشاهان طرفدار حزب دموکرات بودند و کینه و نفرت از انگلستان و روس‌ها در افکار عمومی این منطقه نهادینه شده بود و عموم مردم مترصد مساعدت آلمان‌ها بودند. چنان‌که پرنس رویس وزیر مختار آلمان وقتی به این منطقه آمد مورد توجه مردم قرار گرفت و این استقبال به معنای حمایت از متحدین و تنفر از متفقین بود. (گرکه، ۱۳۷۷، ج ۲، ۶۲۲) بعد از مدتی تعدادی از نمایندگان حزب دموکرات، اعتدالیون و مستقلان به علت تجاوز متفقین با تشکیل کمیته دفاع ملی از قم به کرمانشاهان مهاجرت و سپس به عثمانی رفتند. با این رویکرد تعداد نمایندگان کمتر از نصف شد و به استناد ماده ۴۹ قانون انتخابات مجلس سوم و جاهت قانونی خود را از دست داد و در آبان ۱۲۹۴ مجلس منحل شد. (مرور، ۱۳۸۳، ۵۳؛ آبراهامیان، ۱۳۸۳، ۱۰۰) ورود متفقین و عثمانی به کرمانشاهان موجب تضییقات و دشواری‌هایی برای مردم شد و روس‌ها خودسرانه تعدادی از مردم بی دفاع را به قتل رساندند. (استادوخ، ۷۶-۳۷-۱۳۳۵، ۱، ۵) حضور متفقین موجب غارت و کمبود مواد غذایی شد و آنان خواستار علوفه و مواد غذایی بیشتری بودند. معاضدالملک کارگزار وزارت خارجه در جواب درخواست علوفه و مواد غذایی آن‌ها نوشت: «در صورتیکه جداً این غله را بخواهند عاقبت کار کرمانشاه بکجا خواهد شد.» (استادوخ، ۷۶-۳۷-۱۳۳۵، ۲) عثمانی‌ها برای جذب ایرانیان از مذهب سوء استفاده کرده و خود را هم‌مسلك ایرانیان دانستند. در مناطق کرد غرب، سرپل ذهاب به غارت محصولات کشاورزی پرداختند و اموال مردم بی دفاع را تخریب و به آتش کشیده و به کسی رحم نکردند. (استادوخ، ۲-۶۶-۱۳۳۵، ۲۹) البته به استناد مستندات، متجاوزین جرم و جنایت فراوانی انجام دادند که فرصت بیان نیست. ورود متفقین و متحدین موجب قتل و خسارت زیان‌باری برای مردم بی دفاع منطقه کرمانشاهان شد. این رویداد بدترین ضربه را در افکار عمومی به دولت مشروطه و مجلس زد و موجب بی اعتباری آن‌ها گردید. مردم انتظار داشتند که دولت در برابر تجاوزگران اقدامات ایذایی انجام دهد و این ناتوانی موجب ناامیدی و منفعل شدن مردم نسبت به مشروطه و مجلس گردید.

انتخابات دوره چهارم

در این دوره وزارت داخله تأکید داشت که انتخابات بر اساس قانون برگزار شود. (استادوخ، ۱-۲۴-۱۳۳۶) انتخابات این دوره مهندسی شد و اگرچه اقلیت مورد اعتماد مردم به نمایندگی انتخاب شدند، اما اکثریت نمایندگان با حمایت دولت و ثوق‌الدوله و عواملش، برای تسهیل قرارداد ۱۹۱۹ م به پارلمان

راه یافتند. (آبراهامیان، ۱۳۸۳، ۱۰۳) در کرمانشاهان برای این که فرد مورد نظر وثوق‌الدوله انتخاب گردد، عباس میرزا سالارلشکر فرزند فرمانفرما به حکومت کرمانشاهان منصوب شد (روزنامه ایران، ۱۵۱، ۱۲۹۸، ۲) انتخابات این دوره نسبت به سایر انتخابات‌ها طولانی‌تر شد و انتخابات کرمانشاهان در ربیع‌الاول ۱۳۳۷/ دی ماه ۱۲۹۷ آغاز گردید. فرمانفرمای دوم مستبدانه اعضای انجمن نظارت را انتخاب نمود و میرزااحمدخان معتضالدوله را به عنوان رئیس انجمن تعیین کرد. اعضای انجمن نظارت، وقتی انتخابات و توزیع تعرفه را برخلاف قانون و بر اساس تقلب دانستند به حاکم شکایت کردند، به دلیل بی‌توجهی سالارلشکر دو نفر از اعضای انجمن نظارت استعفا کردند. (ساکما، ۴۴۱۹-۲۹۰، ۷ و ۳۷ و ۶۱) اعضای دیگر نیز با مشاهده تخلف و تقلب در روند انتخابات استعفا دادند. معتضالدوله برخلاف ماده یازده قانون انتخابات تمام وظایف اعضای انجمن را بر عهده گرفت. (اتحادیه، سعدوندیان، ۱۳۶۹، ۲۰۸-۲۱۰) در صورت جلسه هیأت نظارت، برای مناطق «صحنه، قصرشیرین، گوران، کلهر، سنجابی» تمام جوانب و تمهیدات رأی‌گیری پیش‌بینی شده بود. (ساکما، ۴۴۱۹-۲۹۰، ۸۰ و ۸۷) حاکم کرمانشاهان درصدد اعمال نظرات خود بود و برای مناطق فوق، صندوق رأی‌گیری ارسال نکرد. اما برای قصبه کوچکی مانند ستقروکلیایی هفت هزار تعرفه اختصاص داد و با همراهی امیرکل زنگنه و امیرامجد به کنترل انتخابات پرداخت. با کمک متنفذان محلی در هرسین، کرد غرب و کنگاور انتخاباتی فرمایشی را برگزار کرد. (ساکما، ۴۴۱۹-۲۹۰، ۷۵)؛ اتحادیه، سعدوندیان، ۱۳۶۹، ۲۱۰-۲۱۳) در این دوره نصرت‌الدوله فیروز فرمانفرما برادر حاکم و از عاملان قرارداد ۱۹۱۹ م میرزااحمدخان معتضالدوله رئیس انجمن نظارت، علی‌خان زنگنه ملقب به امیرکل حاکم ایل زنگنه و فتح‌الله‌خان فزونی ملقب به نصیردیوان و از مستبدین سابق، با مهندسی سالارلشکر به نمایندگی انتخاب شدند. بعد از انتخابات اعتراضاتی بر علیه منتخبان صورت گرفت و بعضی مدعی شدند که امیرکل و نصیردیوان در فتنه سالارلدوله مشارکت داشته و باید اعتبارنامه‌هایشان صادر نگردد. بعد از اعتراضات و کش‌وقوس‌های فراوان اعتبارنامه نصرت‌الدوله فیروز صادر و اعتبارنامه امیرکل زنگنه رد شد و معتضالدوله در تهران فوت نمود. (کمام، م: ۴، جزوه دان: ۶، پوشه: ۳، کارتن: ۹) به این ترتیب در این دوره نیز تلاش و کوشش اندک مشروطه‌خواهان به نتیجه نرسید و همچون دوره‌های قبل افرادی از طبقه فرادست جامعه که دلبستگی به دموکراسی و پارلمان نداشتند به نمایندگی مردم کرمانشاهان انتخاب گردیدند.

انتخابات مجلس پنجم

انتخابات مجلس پنجم در زمان نخست‌وزیری مستوفی‌الممالک در سال ۱۳۰۲ خورشیدی آغاز شد و در دوره نخست‌وزیری مشیرالدوله (۲۹ آبان ۱۳۱۴ - ۱۲۵۱) به اتمام رسید. (بهار، ۱۳۷۱، ج ۲، ۲۷) مستوفی‌الممالک وعده داد که انتخابات مجلس را بر اساس قانون برگزار کند و از دخالت منابع قدرت در روند آن جلوگیری نماید. با این همه، این بار نیز به علت دخالت رضاخان و نظامیان تحت فرمان او برگزاری انتخابات آزاد ناکام ماند. او و حامیانش سعی وافری برای چینی نمایندگان مورد نظر خود داشتند تا به استراتژی کسب قدرت برسند. (مروار، ۱۳۸۶، ۶۰-۶۱) رضاخان برای دخالت در انتخابات کرمانشاهان از سپهبد احمد امیراحمدی (آذر ۱۳۳۴-۱۲۶۳) فرمانده نظامی غرب کشور خواست که انتخابات را کنترل کند. او کاندیداهای اعتدالیون و دموکرات را به اطلاع رضاخان رساند. کاندیداهای اعتدالیون: فتح‌الله‌خان فزونی کلهر، نصرت‌الدوله فیروز فرمانفرما، وکیل‌الملک، علی‌خان زنگنه امیرکل، سیدحسین اجاق، سیدحسین کزازی بودند. کاندیدای دموکرات‌ها: شاهزاده سلیمان‌میرزا اسکندری، امین‌الرعایا، شیخ علی آخوند و سلیمان‌خان امیرمقتدر بودند. دخالت آشکار او مشخص و غیر قابل انکار است: «... راجع به نصرت‌الدوله - چنانچه رأی مبارک قرار گیرد - امر فرمایند مشالیه، وکالت تهران را قبول و از کرمانشاه صرف‌نظر نمایند؛ تا بندگان حضرت اشرف، حائز اکثریت شوند و اگر اجازه فرمایید محرمانه به امیرکل برسانم که مستعفی شود...» (انتخابات مجلس پنجم به روایت اسناد، ۱۳۸۴، ج ۲، ۶۵-۶۶) با دخالت امیراحمدی در انتخابات، نصرت‌الدوله فیروز، امیرکل زنگنه، یحیی‌خان سالاراشرف زنگنه عموی امیرکل و سیدحسین اجاق به مجلس راه یافتند. البته امیرکل زنگنه شاید به علت توصیه فوق از نمایندگی استعفا داد و از نمایندگی باز ماند. (کمام، ۵، کارتن: ۷۸، پرونده ۱) رضاخان با کمک و مساعدت همراهانش در چینی نمایندگان مداخله نمود و داوطلبانی که وفاداری خود را به وی اعلام کردند موفق به پوشیدن کسوت نمایندگی شدند. به سپاس از این مرحمت، آنان در انتقال قدرت از سلسله قاجار به سلسله پهلوی از رضاخان حمایت کردند. بدین ترتیب بعد از آن همه مجادله و تلاش پی‌گیر انقلابیون، رضاشاه در ایران به قدرت رسید و اندیشه مشروطیت در میان افکار ایرانیان ناکام گردید.

نتیجه

ایالت کرمانشاهان به دلیل موقعیت جغرافیایی، زندگی ایلی و عشایری در آن رونق داشت. رؤسای عشایر، خوانین، شاهزادگان، علما و تجار سرشناس بازی‌گران مهم عرصه سیاست و اقتصاد جامعه کرمانشاهان بودند که برای دستیابی و برخورداری از مزایای سه گانه قدرت، ثروت و منزلت به رقابت برخاسته بودند. نیروهای اجتماعی ایلی، روستایی و شهری تحت رهبری و متأثر از سرآمدان هر یک از نیروهای اجتماعی باید مواضع و موقعیت خود را در برابر شیوه‌های نوین کسب مناصب و حفظ سروری تعیین می‌کردند. علما آن‌چنان قدرتمند و صاحب نفوذ بودند که رهبری موافقان و مخالفان مشروطه بر عهده آنان بود. سرآمدان دیگر اصناف، بدون رهبری علمای مذهبی توان مبارزه را نداشتند. بنابراین نخبگان سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و فرا دستان به رهبری مراجع و علما مشعل مشروطه را روشن کردند و به تدریج توده مردم به آنان پیوستند. در تقابل با آنان بعضی از شاهزادگان، خوانین و مالکان و کسانی که موقعیتشان به خطر افتاده بود به رهبری برخی دیگر از علما، با مشروطیت مخالفت کردند. اصطکاک و تنش فراوانی بین دو گروه به وجود آمد و کینه و دشمنی در پسا مشروطه هم‌چنان ادامه یافت. در پسا مشروطه، مشروطیت و انتخابات مجلس با چالش و موانع متعددی مواجه شد که مهم‌ترین چالش‌ها بی‌سوادی و کم‌سوادی و ناآگاهی سیاسی نخبگان و توده مردم، مخالفت بعضی از علما، دخالت دولت و منابع قدرت در انتخابات که با تخلف و تقلب همراه بود و نیز شورش سالار الدوله با همراهی رؤسای عشایر و داود خان کلهر که منجر به بی‌نظمی و کشتار مردم گردید، مشروطه تا پرتگاه سقوط کشیده شد. هم‌چنین قدرت‌یابی رضاخان و دخالت نظامیان در انتخابات برای گزینش وفاداران به خود موجب ناکارآمدی دموکراسی در کرمانشاهان گردید و انتخاب رضاخان به پادشاهی تیر خلاصی بر بدن مجروح مشروطه بود. این موانع باعث گردید که تلاش و کوشش مشروطه‌خواهان به فراموشی سپرده شود و اندیشه مشروطیت و انتخابات در کرمانشاهان اعتبار خود را از دست بدهد و توده‌های مردم نسبت به آن ناامید شوند.

منابع

- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۸۳). ایران بین دو انقلاب: از مشروطه تا انقلاب اسلامی. (ج ۸). (کازم فیروزمند، حسن شمس آوری، دکتر محسن مدیر شانه چی، مترجمان). تهران: مرکز.
- آذری شهرضایی، رضا. (۱۳۷۸). در تکاپوی تاج و تخت (اسناد ابوالفتح میرزا سالار الدوله) (ج ۱). تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- آذری شهرضایی، رضا. (۱۳۸۵). گزیده اسنادی از وقایع مشروطیت در کردستان و کرمانشاهان، (ج ۱). تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- اتحادیه، منصوره؛ سعدوندیان، سیروس. (۱۳۶۹) مجموعه مکاتبات، اسناد، خاطرات و آثار فیروز میرزا (نصرت‌الدوله)، ج ۱. (ج ۱). تهران: تاریخ ایران.
- اسناد انتخابات مجلس شورای ملی در بیست و چهار دوره مجلس شورای ملی. (۱۳۹۰) ج ۱. اردشیر کشاورز و علی ططری، کوششگران. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- انتخابات مجلس پنجم به روایت اسناد. (۱۳۸۴). ج ۱. (ج ۲). تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
- ایل سنجایی و مجاهدت ملی ایران، خاطرات علی اکبرخان سردارمقتدر سنجایی. (۱۳۹۳). کریم سنجایی، تحریر و تحشیه. ج ۳، تهران: پردیس دانش.
- بحران دموکراسی در مجلس اول، خاطرات و نامه‌های خصوصی میرزا فضلعلی آقا تبریزی. (۱۳۸۷). ج ۱. غلامحسین میرزا صالح، کوششگر. تهران: نگاه معاصر.
- بهار، محمدتقی. (۱۳۷۱). تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران. ج ۲. (ج ۲). تهران: امیر کبیر.
- جمالی، (صفات‌الله). (۱۳۵۲). اسدآباد سید جمال‌الدین. ج ۱. تهران: بوعلی.
- دایره‌المعارف دموکراسی، زیر نظر سیمور مارتین لیپیست. (۱۳۸۳). کامران فانی و دیگران، مترجمان. ج ۱، (ج ۱). تهران: کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه.
- دستره، آنت. (۱۳۶۳). مستخدمین بلژیکی در خدمت دولت ایران، منصوره اتحادیه، مترجم. تهران: تاریخ ایران.
- رضازاده ملک، رحیم. (۱۳۷۷). انقلاب مشروطه ایران به روایت اسناد وزارت امور خارجه انگلیس (کتاب آبی). ج ۱. تهران: مازیار.
- والیزده، محمدرضا؛ والیزده حسین. (۱۳۸۰). تاریخ لرستان از روز تأسیس قاجار تا کودتای ۱۲۹۹. تهران: حروفیه.
- سلطانی، محمدعلی. (۱۳۸۵). نهضت مشروطیت در کرمانشاه و کنگاور. ج ۱. تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

- سلطانی، محمدعلی. (۱۳۷۳). جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان. چ ۱. (ج ۱ و ۳). با مقدمه عبدالحسین نوایی. تهران: سها.
- ظهیرالدوله، علی بن محمد بن ناصر. (۱۳۸۵). سفرنامه ظهیرالدوله، سیفالدوله وحیدنیا، کوششگر. چ ۱. تهران: آبی.
- عاقلی، باقر. (۱۳۷۲). روز شمار تاریخ ایران. چ ۱. تهران: گفتار.
- کاشانی، محمد مهدی شریف. (۱۳۶۲). واقعات اتفاقیه در روزگار. چ ۱. منصوره اتحادیه، سیروس سعدوندیان، کوششگران. تهران: تاریخ ایران.
- کرمانی، ناظم‌الاسلام. (۱۳۷۷). تاریخ بیداری ایرانیان. چ ۳. (ج ۴). علی اکبر سعیدی سیرجانی، کوششگر. تهران: پیکان.
- کرمانی، ناظم‌الاسلام. (۱۳۵۷). تاریخ بیداری ایرانیان. چ ۱. (ج ۱). علی اکبر سعیدی سیرجانی، کوششگر. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- کسروی، احمد. (۱۳۷۰). تاریخ مشروطه ایران. چ ۳. تهران: امیرکبیر.
- کسروی، احمد. (۱۳۵۳). تاریخ هیجده ساله آذربایجان. چ ۶. تهران: امیرکبیر.
- کشاورز، اردشیر. (۱۳۸۲). کرمانشاهان در جنگ جهانی اول. چ ۱. کرمانشاه: تاق بستان.
- گرکه، اولریخ. (۱۳۷۷). ایران در سیاست شرقی آلمان در جنگ جهانی اول. چ ۱. (ج ۱ و ۲). پرویز صدری، مترجم. تهران: کتاب سیامک.
- گودرزی، علیرضا. (۱۳۸۱). ایل کلهر در دوره مشروطیت، چ ۱. کرمانشاه: تاق بستان.
- مروار، محمد. (۱۳۸۶). مجلس شورای ملی (دوره‌های بیست و یکم تا بیست و چهارم). چ ۱. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- مجموعه اسناد عبدالحسین فرمانفرما (۱۳۴۰ - ۱۳۲۵ ق ۹). (۱۳۶۶). منصوره اتحادیه، سیروس سعدوندیان، کوششگران. چ ۱. (ج ۱). تهران: تاریخ ایران.
- مردوخ کردستانی، محمد. (۱۳۵۱). تاریخ کرد و کردستان. چ ۲. (ج ۲). سنندج: غریقی.
- ملک‌زاده، مهدی. (۱۳۷۱). تاریخ انقلاب مشروطیت. چ ۳. (ج ۲، ۵). تهران: علمی.
- میرزاصالح، غلامحسین. (۱۳۸۴). مذاکرات مجلس اول ۱۳۲۶ - ۱۳۲۴، توسعه سیاسی ایران در ورطه سیاست بین‌الملل. چ ۱. تهران: مازیار.
- همدانی، فریدالملک. (۱۳۵۴). خاطرات فرید (از ۱۲۹۱ تا ۱۳۳۴ هجری قمری)، مسعود فرید (فراگزولو)، گردآورنده. چ ۱. تهران: زوار.

اسناد:

الف) اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، (استادوخ)، شماره اسناد ۱۵-۱۶-۱۳۲۳، ۹-۱۱-۱۳۲۵، ۱۱-۱-۱۳۲۸، ۲-۴۵-۱۳۳۴، ۷۶-۳۷-۱۳۳۵، ۲-۶۶-۱۳۳۵، ۵-۶۷-۱۳۳۵، ۱-۴۴-۱۳۳۶، ۳-۴۴-۱۳۳۶، ۱-۲۴-۱۳۳۶.

ب) سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، (ساکما) اسناد شماره ۲۴۰۰۰۷۱۶۰، ۴۴۱۹-۲۹۰.

پ) کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، (کمام) اسناد شماره ۵/۹۱/۶/۱/۱، ۲۸/۱/۴/۵۸۴، ۳/۴/۱/۳۰/۱، اسناد انتخابات مجلس: ۵، ک: ۷۸، پ ۱، اسناد انتخابات مجلس: ۴، جزوه دان: ۶، پوشه: ۳، کارت: ۹.

روزنامه‌ها:

روزنامه ایران، شماره ۱۵۱، سال سوم، ۵ اسد [مرداد] ۱۲۹۸.

روزنامه خسروی، سال هجدهم، شماره ۵۹۶، ۳ شنبه، ۱۵ مرداد، ۱۳۴۷.

